حجت‌الاسلام دکتر هاشمیان: تعامل و ارتباط دو سویه حاکمیت و مردم که برآمده از پذیرفتن اصل مشارکت حداکثری مردم در فرآیندهای حکمرانی است، اصلی‌ترین رکن موفقیت یک نظام سیاسی است. اگر در کوتاه‌مدت یک نظام سیاسی برای پیشبرد اهدافش به این اصل بنیادین بی‌توجهی کند، در بلندمدت به هیچ‌وجه قادر نخواهد بود اهدافش را اجرایی کند

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ پیش‌شرط اجرای اصلاحات ساختاری در فرهنگ و اقتصاد چیست؟

با مردم حرف بزنید

اشکان صدیق: «حرف زدن با مردم یکی از کارهای مهمی است که دولت مردمی باید [به آن] متعهد باشد». رهبر حکیم انقلاب اسلامی در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری اسلامی ایران این جمله کلیدی را به عنوان توصیه‌ای موکد به دولتمردان تازه‌نفس بیان کردند، چرا که مرور تاریخ حاکمیت‌های جهانی از بدو تشکیل نخستین حکومت‌های بسیط بشری نشان می‌دهد هر گاه حکومت‌ها و جوامع دچار بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... شده‌اند، اگر فهم و توان گفت‌وگو و دیالوگ با مردم را داشته‌اند، از آن تکانه‌های شدید به عافیت و سلامت عبور کرده و اگر ضرورت صحبت کردن با مردم و اقناع نسبی آنها را درک نکرده‌اند، دچار آسیب‌های متعدد شده‌اند. این همان نکته حیاتی‌ای است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مکررا با مسؤولان نظام بویژه دولتمردان در میان گذاشته و بر آن تاکید کرده‌اند. به منظور بررسی تحلیلی این موضوع یادداشت‌های حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر سیدمحمدحسین هاشمیان، استاد دانشگاه باقرالعلوم و همچنین حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر نصرالله پژمان‌فر، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

گفت‌وشنود با مردم؛ ضامن تحقق «حکمرانی خوب»

دکتر سید محمدحسین هاشمیان
عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع)

تعامل و ارتباط دو سویه حاکمیت و مردم که برآمده از پذیرفتن اصل مشارکت دادن حداکثری مردم در فرآیندهای حکمرانی است، اصلی‌ترین رکن موفقیت یک نظام سیاسی است. اگر در کوتاه‌مدت یک نظام سیاسی برای پیشبرد اهدافش به این اصل بنیادین بی‌توجهی کند، در بلندمدت به هیچ‌وجه قادر نخواهد بود اهدافش را اجرایی کند.

مساله مشارکت‌دهی مردم در فرآیند حکمرانی و تحولات اجتماعی از ۲ منظر قابل بررسی است؛ از منظر طریقیت و از منظر موضوعیت. وقتی می‌گوییم مشارکت‌دهی مردم طریقیت دارد، یعنی به عنوان یک طریق، یک ابزار در خدمت حاکمیت برای به ثمر نشستن اهداف حکمرانی از امور لازم و ضروری است.

وقتی می‌گوییم مشارکت مردم در فرآیند حکمرانی، موضوعیت دارد یعنی صرف‌نظر از نگاه ابزاری و کارکردگرایانه، نفس وجود این امر، براساس مبانی فکری و دینی، لازم و ضروری است. خداوند در سوره حدید آیه ۲۵ می‌فرماید:
لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ.
«رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!»

اینجا عبارت «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یک عبارت کلیدی است، یعنی از اهداف بعثت انبیا این بوده است که خود مردم را به قیام برای تحقق عدالت وادار کنند. یعنی محوریت قیام عدالت‌خواهانه، با خود مردم است، سهم اصلی متعلق به مردم است. این آیه نشان می‌دهد نقش مردم در تحقق عدالت، نقش کلیدی و اساسی است و هیچ حاکمیتی نمی‌تواند با حذف مردم، عدالت را محقق کند.

در آیه دیگری در سوره نسا می‌خوانیم: ام لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذاً لا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيراً. مفسران می‌گویند این آیه شأن نزولش در باب یهودیان است. یعنی وقتی به چیزی از ملک می‌رسند یک «نقیر» آن را هم به مردم نمی‌دهند. نقیر به آن رشته باریکی می‌گویند که در انتهای هسته خرما است. ملک هم یعنی قدرت و ثروت. این آیه نشان می‌دهد که مردم باید در قدرت شریک باشند.

آیه معروف «و امرهم شوری بینهم» نیز به صراحت نقش مشورتی مردم در اداره امورشان را بیان می‌کند. پس می‌بینیم براساس مبانی تفکر دینی که خود این مبانی، اساس و ریشه انقلاب اسلامی ایران بوده است، مردم در اداره کشور و فرآیندهای حکمرانی نقش محوری دارند و این ایفای نقش نباید به حضور در انتخابات تقلیل پیدا کند.

این مساله را نباید از یاد برد که مشارکت مردم در فرآیند حکمرانی از عوامل اساسی در رشد آگاهی مردم است و این از وظایف حکومت اسلامی است که زمینه‌ساز رشد و بلوغ فکری مردم شود. خداوند در قرآن در توصیف حکومت فرعون می‌فرماید: ما أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ. (۹۷ سوره هود) یعنی حکمرانی فرعون، همراه با رشد مردم نبود و او یکسره از مردم تبعیت می‌خواست و برای این کار هم مدام مردم را تحقیر می‌کرد: فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطاعُوهُ. (۵۴ سوره زخرف) حکمرانی فرعونیان، در نقطه مقابل حکمرانی اسلامی است که نوع بنی‌آدم، در آن صاحب کرامت است و مشارکت آنان را در همه امور لازم و واجب می‌داند، تا همین مشارکت زمینه‌ساز تعالی آنها شود. قرآن حتی مشارکت مالی مردم را نیز وسیله‌ای برای رشد و تزکیه آنها مطرح می‌کند. خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها. (توبه ۱۰۳)

قلمروی مشارکت عمومی، حوزه تدوین، اجرا و ارزیابی را در بر می‌گیرد. در نظام‌هایی که براساس تفکیک قوا اداره می‌شوند، تدوین قوانین اصالتا بر دوش قوه مقننه است. در این بخش مردم با انتخاب نمایندگان خود، به صورت غیرمستقیم بر فرآیند تدوین اثرگذاری دارند اما نباید نقش آنها به این مساله محدود شود، بلکه باید با اعمال شفافیت، راه را برای نظارت مردم بر عملکرد نمایندگان‌شان باز کرد. حوزه اجرا نیز اصالتا برعهده قوه مجریه است که مردم در این بخش نیز با حضور در انتخابات به صورت مستقیم در فرآیند اجرا اثرگذارند ولی این بخش نیز نباید تنها به حضور پای صندوق‌های رای تقلیل یابد. دولت باید مدام در ارتباط و تعامل با مردم باشد و از آنها نظرخواهی کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران به همین موضوع اشاره کردند و فرمودند: «گفت‌وگوی صادقانه با مردم یکی از همین کارهایی است که به مردمی بودن کمک می‌کند؛ حرف زدن با مردم از روی صداقت، با قطع نظر از پیرایه‌های سیاسی و مانند اینها. صادقانه با مردم حرف بزنند، مشکلات را به مردم بگویند، راه‌حل‌ها را به مردم بگویند، توقعات را از مردم ابراز کنند و کمک‌های لازم را به مردم تقدیم کنند. حرف زدن با مردم یکی از کارهای مهمی است که دولت مردمی باید [به آن] متعهد باشد».

مساله‌ای که ما آبان‌ماه سال ۹۸ و بحرانی که پس از افزایش قیمت بنزین با آن مواجه شدیم این بود که اساسا دولت قبل راه ارتباطی خود با مردم را مسدود کرده بود، تعاملی بین دو طرف صورت نمی‌گرفت و دولت برای بیان تصمیمات خود و علت آن دچار نوعی گنگی بود.

در حوزه ارزیابی نیز که اصالتا برعهده قوه قضائیه است، ایفای نقش مردم بسیار جدی است. حمایت از سوت‌زن‌ها، نقش‌آفرینی رسانه‌ها در پیگیری پرونده‌ها و نظارت بر حسن اجرای امور از موارد اصلی نقش‌آفرینی مردم در حوزه ارزیابی است.

مساله جدی ما، طراحی سازوکارهایی است که نقش‌آفرینی مردم در هر ۳ حوزه تدوین، اجرا و ارزیابی، کاملا مشخص، قانونی و اجرایی شود. نمی‌شود با غفلت از رای و نظر مردم، به تصویب و اجرای هر طرح و مصوبه‌ای پرداخت. ضرورت همین امر باعث شده که اخیرا در مرکز پژوهش‌های مجلس یک بخش رصد آرای عمومی و افکارسنجی مردم راه‌اندازی شود تا بتواند نظرات مردم و نخبگان را به کمیسیون‌های تخصصی ارجاع دهد. اخیرا رئیس مجلس نیز بر ضرورت این امر و لزوم افزایش مشارکت‌دهی مردم در فرآیند حکمرانی تاکید کرده بود. اساسا در حوزه سیاست‌گذاری عمومی در غرب، که اوجش در نظریه «حکمرانی خوب» است، ایفای نقش محوری مردم در همه امور مرتبط با حکمرانی، از کلیدهای اصلی تحقق یک نظام مطلوب اجتماعی است.

ما نمونه‌های زیادی را در همین ۴۳ سال انقلاب دیده‌ایم که هر جا مردم ورود کرده‌اند، کار بخوبی جلو رفته است. عبور از بحران‌های سخت کرونا بدون ورود مردم و کمک همدلانه آنان ممکن نبود. در واقع هر جا دولت دست از تصدی‌گری برداشته و نقش تسهیل‌گر برای را حضور مردم داشته، جلوه‌های برکت و موفقیت مشهود خواهد بوده است. برای نمونه در عرصه فرهنگ هرگاه خود مردم میدان‌دار شدند، مثل آنچه در عزاداری‌های محرم و صفر یا پیاده‌روی اربعین می‌بینیم، کار به بهترین شکل ممکن انجام شده است.

در حوزه سیاست هم همین‌طور است، تهاجم‌ها به نظام سیاسی ما واقعا بی‌سابقه است اما آنچه که باعث شده ما بتوانیم از بحران‌های مختلف به سلامت عبور کنیم، همین مشارکت مردمی بوده است.

اگر روزی مشارکت مردمی ضعیف شود، جامعه دچار عارضه‌ای می‌شود که از آن به «بی‌تفاوتی اجتماعی» یاد می‌شود. یعنی مردم وقتی ببینند نظرشان مهم نیست، فعالیت‌شان مهم نیست، نظارتی که کرده‌اند مهم نیست و ترتیب اثری داده نمی‌شود، کم‌کم به مسائل بی‌تفاوت می‌شوند. این خطر بسیار بزرگی است، جامعه همانی می‌شود که به تعبیر امیرالمومنین(ع) یک جامعه مرده است؛ در ادبیات دینی یعنی جامعه‌ای که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده است. چنین جامعه‌ای به مصائب بزرگی مبتلا می‌شود.

باید بپذیریم که مردم، رکن رکین غیرقابل حذف یک نظام سیاسی دینی هستند و به میزانی که نقش‌آفرینی آنها را بیشتر کنیم و به میزانی که در مرحله تدوین و اجرا و ارزیابی به حضور آنها باور داشته باشیم، به همان میزان در تدوین و اجرای تحولات بزرگ و مهم اجتماعی و اقتصادی موفق‌تر خواهیم بود اما اگر این ارتباط دوسویه نباشد، هر طرح بزرگی که برای اصلاحات ساختاری در حوزه فرهنگ و اقتصاد به مرحله اجرا برسد، در نهایت با ترک همراهی مردم، به یک پروژه شکست‌خورده تبدیل خواهد شد یا چنان دارای تبعات و عوارض حاشیه‌ای خواهد شد که متن اصلاح صورت گرفته تحت‌الشعاع قرار گرفته و بی‌اثر یا کم‌اثر می‌شود.

نکته‌ای را هم اضافه کنم که برخی برای مخالفت با مشارکت مردم، دست به ساختن یک دوگانه جعلی متخصص- توده می‌زنند و بیان می‌کنند مردم در امور حکمرانی تخصصی ندارند، پس نباید به آنان سهمی در تصمیم‌سازی داد و هرگونه سهم‌دهی به مردم را پوپولیسم می‌خوانند. این نگاه غلطی است که برخلاف مبانی امامین انقلاب اسلام است، حضرت امام و رهبر معظم انقلاب، عمیقا به مردم و توانایی‌های آنان باور دارند و هرگونه اقدامی برای حذف مردم به بهانه‌های جعلی در نهایت جمهوریت را مخدوش و محذوف می‌کند و به حاکمیت یک طبقه تکنوکرات و فن‌سالاری که خودشان را متخصص امور می‌دانند، منجر می‌شود. این هم خطر و آسیبی است که باید مراقب بود به آن دچار نشد.

ضرورت طراحی «سازوکار» برای گفت‌وگو با مردم

دکتر نصرالله پژمانفر
نماینده مردم مشهد در مجلس

مساله تعامل با مردم در همه فرآیندهای حکمرانی از مهم‌ترین مسائل نظامی است که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی اداره می‌شود. اگر می‌خواهیم مردم به ما باور داشته باشند، ما هم باید به مردم باور داشته باشیم. از واجبات و موارد بسیار لازم و ضروری در اجرای هر قانون مهم و هر اصلاح ساختاری‌ای، آماده‌سازی افکار عمومی از طریق گفت‌وگو با مردم است. تا مردم با هر تصمیمی همراه نشوند، هیچ قانونی بدرستی اجرا نمی‌شود. مردم باید با تمام وجود احساس کنند که در همه ارکان تصمیم‌گیری شریک هستند و رای و نظر آنها در راس امور است.

ما باید به صورت جدی سازوکاری را طراحی کنیم تا نظرات مردم به بهترین شکل ممکن به مجریان و قانونگذاران منتقل شود. خود من در مجلس باور عمیق به این موضوع دارم که باید ارتباط با توده مردم جزو پایه‌های اصلی وظایف یک نماینده باشد. برخی دوستان برخلاف این نظر، معتقدند نماینده نباید با آحاد ملت دیدار و ملاقاتی داشته باشد چون مردم عموما در این دیدارها تقاضاهایی دارند که خارج از اختیارات یک نماینده است اما من معتقدم بسیاری از ضعف‌های اجرایی و تقنینی در همین دیدارها مکشوف می‌شود. در دفتر نمایندگی بنده سامانه‌ای طراحی شده که با حفظ کرامت مردم، روزهای چهارشنبه درخواستی برای ملاقات حضوری داده می‌شود و در روزهای جمعه فرصت این ملاقات فراهم می‌شود. همان‌طور که عرض کردم حقیقتا بسیاری از خلأهای موجود در کشور را بنده در همین دیدارهای چهره به چهره متوجه می‌شوم.

به هر ترتیب باید بدانیم که گفت‌وگو و تعامل با مردم، یکی از اصول خدشه‌ناپذیر حکمرانی اسلامی است. دولت آقای رئیسی در این زمینه گام‌های مهم و رضایت‌بخشی برداشته است و به نظر من یکی از مهم‌ترین دلایل رای مردم به ایشان، دیدن همین روحیه گفت‌وگو با توده مردم است. اینکه عده‌ای اینگونه تعاملات با مردم را اقدامی پوپولیستی قلمداد کنند، اجحاف و بی‌انصافی است. یک مسؤول اجرایی در همین دیدارهاست که به یک ارزیابی درست از وضعیت موجود و راه‌های برون‌رفت از مشکلات می‌رسد.

به هر حال دولت جناب رئیسی قدم‌های اول را در این مسیر برداشته و لازم است با تمهید و طراحی سازوکارهای مورد نیاز، تعامل و مشارکت مردم در فرآیندهای تقنینی و اجرایی بیش از پیش صورت گیرد بویژه زمانی که برای اصلاح وضع موجود، قصد داریم دست به اصلاحاتی بزنیم که ممکن است در بدو امر برای جامعه نامانوس و غریب باشد، اگر گفت‌وگوی لازم با مردم انجام نشده باشد، این اقدام اصلاحی ما، تبعات ناهنجاری در ابتدای کار در پی خواهد داشت که ممکن است ادامه روند اصلاحی را با اختلال روبه‌رو کند. پس مسؤولان اجرایی کشور باید با درس گرفتن از تجربیاتی که در گذشته بوده، به این نکته دقت کنند که پیش‌شرط اجرایی کردن هر تصمیم و اقدام حساس و مهمی، آماده‌سازی افکار عمومی از طریق گفت‌وگو با مردم است. اگر اینگونه گفت‌وگوها انجام نشود، گاهی ممکن است تبعات و حواشی یک اقدام اصلاحی، ضررش از خود اصلاحی که صورت گرفته عمیق‌تر و ماندگارتر شود.

ای مالک! با مردم سخن بگو

یکی از اصول و تکالیفی که زمامداران در حکومت اسلامی موظف به اجرای آن در برابر مردم هستند، شفافیت، توضیح و تبیین تصمیمات حکومتی است که زندگی مردم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. حضرت امیرالمومنین علی(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه که معروف به عهدنامه مالک اشتر است به مالک امر می‌کند درباره تصمیماتت برای مردم توضیح بده و گمان‌هایی را که بعضا نسبت به تو بد شده است اصلاح کن.

آیت‌الله مکارم‌شیرازی در شرح این قسمت از نامه می‌نویسد: آن گاه امام سومین دستور مهم را صادر می‌فرماید که بسیاری از مشکلات حکومت را کم می‌کند. می‌فرماید: «هرگاه رعایا نسبت به تو گمان بی‌عدالتی ببرند عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با بیان عذر خویش گمان آنها را نسبت به خود (درباره آنچه موجب بدبینی شده) اصلاح کن، زیرا این امر از یک سو موجب تربیت اخلاقی تو می‌شود و از سوی دیگر ارفاق و ملاطفتی است درباره رعیت و سبب می‌شود که بیان عذر خود، تو را به مقصودت که وادار ساختن آنها به حق است برساند»، «وَ إِنْ ظَنَّتِ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفاً فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ، وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ، وَرِفْقاً بِرَعِيَّتِكَ، وَإِعْذَاراً تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ».

می‌دانیم یکی از مشکلات حکومت‌ها این است که بسیاری از مردم از جزئیات مسائلی که در جامعه می‌گذرد ناآگاهند و گاه زمامدار عادل دست به اقداماتی برای حل مشکلات و اصلاح امور می‌زند که دلیلش بر آنها مخفی است. همین امر موجب بدگمانی مردم می‌شود و اگر این بدگمانی‌ها روی هم متراکم شود ممکن است مردم را از حکومت جدا سازد، از این رو هرگاه والی و زمامدار احساس کند سوءظنی برای مردم درباره مسأله‌ای پیدا شده، باید آشکارا دلیل منطقی کار خود را بیان دارد تا آنها آرامش فکر پیدا کنند و سوءظن‌شان برطرف شود.

یکی از بهترین فرصت‌ها در اسلام برای زمامداران، استفاده کردن از خطبه‌های نماز جمعه است که قریب و بعید و نزدیکان و غیر آنها در آن جمع‌اند و او می‌تواند خود به طور مستقیم یا نایبانش مسائل را بشکافند و دلایل انجام هر کاری را که موجب بدگمانی شده آشکارا بگویند.

امروز با توجه به گستردگی رسانه‌ها، معمولا با مصاحبه یا دادن بیانیه در این گونه موارد اقدام می‌کنند؛ ولی آنها که عذر موجهی ندارند بزودی رسوا می‌شوند و پایه‌های قدرت‌شان به لرزه درمی‌آید.

این نکته نیز قابل توجه است که امام علیه‌السلام برای افشاگری در موارد سوءظن رعیت، ۲ فایده مهم را ذکر فرمود: اول: رفع سوءظن مردم از طریق بیان واقعیت‌ها و شرح امکانات و تنگناها. دوم: ریاضت نفس والی و زمامدار، زیرا او با این عمل، گویی خود را در اختیار مردم گذارده و از اوج قدرت فرود آمده و همچون یک دوست و برادر، با آنها متواضعانه سخن می‌گوید و این تواضع مایه ریاضت نفس و پرورش روح و اخلاق زمامدار است.

پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه‌وآله نیز بارها اقدام به این کار کرده و اسوه عملی برای این دستور بود. از جمله:

۱- به هنگام تقسیم غنایم فراوان جنگ حنین، هنگامی که برای رؤسای تازه مسلمان قریش مانند ابوسفیان و بعضی دیگر یکصد شتر سهمیه قرار داد و سهم مهاجران و انصار پیشین را بسیار کم و در حدود ۴ شتر مقرر فرمود، گروهی از آنها سخت‌ناراحت‌شدند و بعضی پیغمبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله) را متهم به عدم رعایت عدالت در تقسیم غنیمت کردند. در اینجا پیغمبر خدا عذر خود را آشکارا بیان کرد و به آنها گفت: من با این کار محبت این افراد را نسبت به اسلام جلب کردم تا مسلمان شوند ولی شما را به اسلام‌تان (که در وجودتان ریشه‌دار است واگذاردم). آیا دوست ندارید گروهی شتر و گوسفند ببرند ولی شما محبت و ایمان به رسول‌الله را با خود ببرید؟

۲- نمونه دیگر جریانی است که در صلح حدیبیه اتفاق افتاد. پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه‌وآله در این صلح که با مشرکان مکه برقرار کرد، اولا حاضر شد بدون انجام اعمال عمره ـ با اینکه خود و یارانش احرام بسته بودند ـ به مدینه بازگردد و ثانیا شرط‌هایی را که به نفع قریش در این صلح‌نامه آمده بود بپذیرد که این مسأله بر یارانش سنگین بود.

از جمله کسانی که زبان به اعتراض گشود عمر بود. در روایتی آمده که او گفت: «ما شَكَكْتُ فِي الإِسْلامِ قَطُّ كَشَكِّي يَوْمَ حُدَيْبِيَّه؛ هیچ‌گاه در اسلام شکی مانند شک روز حدیبیه نکردم». خدمت پیغمبر(ص) آمد و عرض کرد: آیا ما مسلمان نیستیم؟ فرمود: هستید. عرض کرد: آیا آنها مشرک نیستند؟ فرمود: هستند. عرض کرد: پس چرا ما این همه خفت و خواری را در دین خود بپذیریم؟ پیامبر یاران خود را مخاطب قرار داد و فرمود: این از ناحیه من نبود؛ خدا چنین دستور صلحی را به من داده و احدی نمی‌تواند امر پروردگار را مخالفت کند و بدانید خدا مرا ضایع نخواهد کرد (و پیروزی‌ها در پیش است).

۳- در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم که می‌فرمود: چیزی «از مواد غذایی» خدمت پیغمبر آوردند تا (بر اهل صفه) تقسیم کند؛ ولی به اندازه‌ای نبود که به همه برسد، از این رو تنها به جمعی از آنها داد و چون ممکن بود دیگران قلبا ناراحت شوند و معترض باشند، پیامبر در برابر آنها آمد و فرمود: ای اهل صفه! مقدار کمی برای ما آورده بودند؛ من دیدم به همه نمی‌رسد. آن را به افرادی که نیاز بیشتری داشتند دادم (و در آینده جبران خواهد شد).

بازخوانی

مروری اجمالی بر تذکرات امامین انقلاب پیرامون نقش مردم در حکومت اسلامی

منزوی کردن مردم خطرناک‌تر از سکولاریسم

رهبر معظم انقلاب اسلامی در چند ماه منتهی به سیزدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری و حتی مدتی بعد از آن، مکررا بر مساله جمهوریت و اهمیت جایگاه مردم در نظام اسلامی تاکید کردند. البته تاکید و اصرار ایشان بر مساله جمهوریت پیشینه‌ای ۴۰ ساله و بلکه بیشتر دارد و این سخنان برای محققانی که با مبانی فکری ایشان آشنا هستند مطالبی جدید نبود. اما نکته‌ای که به نظر بعضی اهالی اندیشه در سال ۱۴۰۰ بااهمیت به نظر آمد، تاکیدات دوباره رهبر حکیم انقلاب بر این مساله و برجسته کردن مقوله مردم‌سالاری در آستانه قرن جدید شمسی بود.

با فاصله گرفتن از تب‌وتاب انتخابات، بازخوانی فرمایشات امامین انقلاب به منظور جلوگیری از فراموشی و غفلت از یکی از مبانی اصیل حکومت اسلامی به نظر ضروری و حیاتی است.

حضرت امام خمینی که می‌توان ایشان را احیاگر مردم‌سالاری دینی دانست، نسبت به این خطر جدی یعنی منزوی کردن مردم هشدار می‌دهند و حتی این توطئه را بدتر از جدایی دین از سیاست یا همان سکولاریسم می‌دانند: «بیدار باشید! توجه کنید! اینها با توطئه‌های‌شان می‌خواهند کار را انجام بدهند، نمی‌توانند با دخالت نظامی کار بکنند، اینها می‌خواهند با شیطنت‌های‌شان کار خودشان را انجام بدهند. آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده. حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است یعنی، در امور سیاسی در ایران ۵۰۰ نفر دخالت کنند، باقی‌شان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند، و چند نفر پیرمرد ملا بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران. برای اینکه، آن یک عده از علما را کنار می‌گذاشت، منتها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می‌شوند، این تمام ملت را می‌خواهد کنار بگذارد».

آیت‌الله خامنه‌ای که شاگرد خلف امام مستضعفان هستند، در دهه ۶۰ نکاتی را پیرامون حکومت علوی مطرح کردند که ارزش و شأن رای و بیعت مردم را به زیبایی ترسیم می‌کند: «در اسلام به نظر مردم اعتبار داده شده است؛ رأی مردم در انتخاب حاکم و در کاری که حاکم انجام می‌دهد، مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا شما می‌بینید که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاه‌والسلام) با اینکه خود را از لحاظ واقع منصوب پیغمبر و صاحب حق واقعی برای زمامداری می‌داند، آن وقتی که کار به رأی مردم و انتخاب مردم می‌کشد، روی نظر مردم و رأی مردم تکیه می‌کند؛ یعنی آن را معتبر می‌شمارد و بیعت در نظام اسلامی یک شرط برای حقانیت زمامداری زمامدار است. اگر یک زمامداری بود که مردم با او بیعت نکردند، یعنی آن را قبول نکردند، آن زمامدار خانه‌نشین خواهد شد و مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است یا بگوییم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است».

این اظهارنظر صریح و شجاعانه در زمینه جایگاه رفیع مردم در حاکمیت اسلامی منحصر به دهه ۶۰ نیست و ایشان در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی خطاب به دانشجویی که نظر ایشان را درباره نقش مردم خواسته بود، فرمودند: «و اما اینکه سوال کردید مردم در ذهن ما کجا هستند. به نظر ما مردم اصل قضایا و همه‌کاره هستند. در تفکر اسلامی و برداشت اسلامی، اندیشه خدامحوری با اندیشه مردم‌محوری هیچ منافاتی ندارد؛ اینها روی هم قرار می‌گیرند. اولا تا مردم متدین و معتقد به دینی نباشند، حکومت دینی در آن کشور اصلا به وجود نمی‌آید و جامعه دینی شکل نمی‌گیرد. بنابراین، وجود حکومت دینی در یک کشور، به معنای تدین مردم است؛ یعنی مردم این حکومت را خواستند، تا این حکومت بیاید. وقتی که ما می‌گوییم حکومت دینی که جمهوری اسلامی هم بر اساس احکام و تعالیم الهی است، آیا معنایش این است که مردم هیچ‌کاره‌اند؟ نه. اگر مردم با حاکمی بیعت نکنند و او را نخواهند و لو امیرالمومنین علیه‌السلام باشد او سر کار خواهد آمد؟ در جمهوری اسلامی که نقش مردم واضح است.

در تفکر دینی، اساس حاکمیت دین و نفوذ دین و قدرت دین، در اعمال آن روش‌های خودش برای رسیدن به اهدافش به چیست؟ تکیه اصلی به چیست؟ به مردم است. تا مردم نخواهند، تا ایمان نداشته باشند، تا اعتقاد نداشته باشند، مگر می‌شود؟ پیامبر را اگر مردم مدینه نمی‌خواستند و در انتظار او نمی‌نشستند و بارها سراغش نمی‌رفتند، مگر به مدینه می‌آمد و جامعه مدنی تشکیل می‌شد؟ پیامبر که با شمشیر نرفت مدینه را بگیرد. بنابراین، خواست و اراده و ایمان مردم، حتی بالاتر از این، عواطف آنها، پایه اصلی حکومت است. این نظر اسلام است و ما هم به همین معتقدیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، همین نکته به یک شکل معقول و منطقی و قانونی گنجانده شده است. اینکه ما گفتیم، یک ایده و یک فکر است و اگر بخواهیم یک فکر را به شکل قانون قابل اجرا درآوریم، طبعا مشکلاتی دارد؛ لیکن مشکلات به بهترین وجه که ممکن بوده، در قانون اساسی ما حل شده است. در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیرمستقیم با آرای مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است».